

امام خمینی: ما در مقابل امریکا ایستاده ایم تا آخر و نخواهیم گذاشت امریکا باز گردد

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم سال دوم شماره ۳۰۰
شماره ۱۴ مرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ رمال

تأخیر در تشکیل دولت جایز نیست

بحث و گفتگو و کشمکش دربارہٴ معرفی نخست وزیر و تشکیل دولت همچنان ادامه دارد. و این نه فقط باعث تاخیر است، بلکه در شرایط فوق العاده حساس کنونی زیان بخش و خطرناک است.

زبان و خطرات خیر در تشکیل دولت از آنجا ناشی می شود که ازینخوا انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مواجه با توطئه های رنگارنگ و توقف نا پذیرا میسر امریکا و ضد انقلاب داخلی در همه جبهه ها و در همه زمینه ها است. و مقابله با این توطئه ها نیاز به یک دستگاه اجرائی انقلابی، متمرکز و کارا دارد. تا بتواند از همه نیروهای انقلابی مردم استفاده کند، مردم را تجهیز کند و همه امکانات کشور را بکار گیرد.

متمرکز و کارا را دارد. روشن است که ما اینک با چنین وضعی روبرو نیستیم، یعنی یک دستگاه اجرائی انقلابی، متمرکز و کارا نداریم که بتواند هم افتاء و سرکوب توطئه های ضد انقلاب را با فوریت و قاطعیت انجام دهد و هم برنامه ها، سازندگی ها و امور اداری را تحقق اهداف ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی انقلاب عرضه دارد و عملیاتی، و روشن است که چنین وضعی فقط به سود ضد انقلاب است، و در نتیجه تاخیر در معرفی نخست وزیر و تشکیل دولت با مختصات و وظایفی که بهمان کننده نیازها و ضرورت های انقلاب و جامعه ما است، با زهم فقط به سود ضد انقلاب است.

ما نمی توانیم دیگر زیر بار امریکا برویم، امریکا اگر تمام افراد ما را هم از بین ببرد، دیگر نمی تواند در آنجا بیاید منافع خودش را جبران کند و ملت ما را به ستم و زور در تحت شکنجه و اختناق قرار دهد.

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به پیامی که پاپ ژان پل دوم برای ایشان فرستاده بود، سخنان مهمی ایراد کرد. امام از جمله گفتند:

مقیه در صفحه ۳

ماهشدار میدهیم!

توطئه جدید بعث عراق برای کشتار وسیع مردم بیگناه کشور ما

طبق اخبار موقتی، عمل بعث عراق تعدادی اتوموبیل با شماره ایرانی را از مرز ایران عبور داده اند و به کرکوک و موصل می برند. در این دو منطقه، جنایتکاران بعثی، ماشینها را دقیقاً جاسا زومین کنند و در هر یک مقدار زیادی (از ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ پوند) تی.ان.تی قرار میدهند. سپس اشخاصی را برای انتقال این ماشینها به شهرهای مختلف ایران و مکانهای از پیش تعیین شده، مامور می کنند. اشخاصی که این ماشینها را به ایران می آورند، با کردیها بنا شده های هستند که دولت بعثی عراق تا به حال از زکات آنها به ایران جلوگیری کرده است. این اشخاص به شرط آنکه اتوموبیلها را به مکانهای مشخصی که عراقیها تعیین می کنند، حمل کنند، امکان بازگشت مجدد به ایران را کسب می نمایند. به آنها گفته می شود که پس از بازگشت اتوموبیلها در محل مورد نظر، دوربینی را که به آنها نشان داده اند، بهم وصل کنند و سپس اتوموبیل را رها سازند و بفرستند که می خواهند بروند.

تاکنون ۲۰ دستگاه اتوموبیل به موصل و کرکوک انتقال یافته است و وظایف هر دو دستگاه از آنها به ایران بازگشت داده شده است، که رد آنها معلوم نیست.

ما به همه مقامات مسئول هشدار میدهیم که به هر طریق ممکن، این توطئه را خنثی و جنایتکارانه را عقیم گذارند. ماشینهای که از مرزها به ایران وارد می شوند، باید با وسایل لازم، دقیقاً مورد بازرسی و کنترل قرار گیرند. تا از بروز این فاجعه، آشناسان و کشتار جمعی مردم بیگناه جلوگیری بعمل آید. بعثیهای جنایتکار پس از آزمايش این جنایت در برلین غربی و وین، اینک ایران را محاصره، جنایت وادامش خود قرا ردا ده اند.

چرا استرداد شاپور بختیار طلب نمیشود؟!

جنایات شاپور بختیار این خان بی رحم و بی همن و سرسبزده امپریالیسم امریکا بر کسی پوشیده نیست. شرکت ورهیری او در توطئه خطرناک کودتای ۱۸ تیر، طی محاکمات، برهمن معلوم شد. اثبات خیانتهای او و جنایاتی که تاکنون از زمان صدرت به فرموده اش انجام داده در صورت «پروژنی» کودتا در صدد انجام آن بود، ابداع شورای تیت.

این جنایتکار، ستاد عملیاتی خود را در فرانسه قرار داد و عمل زندگی و کار و خرابکاری او بر همه کس معلوم است. پس لازم است که هر چه زودتر، از دولت فرانسه تقاضا شود که او را به ایران بازگرداند و استرداد مجرمین، منطبق با حقوق بین المللی است.

اما روز پنجشنبه صبح ۲۳ ژوئیه (دوم مردادماه) مقامات قضایی فرانسوی رسماً اعلام کردند که تاکنون به دولت فرانسه هیچگونه درخواست استرداد در مورد شاپور بختیار نرسانیده است. بنابراین دولت فرانسه از خود سلب مسئولیت میکند و ادامه حضور بختیار را با این اعلام برگرداند دولت ایران میاندازد که تاکنون درخواست استرداد نکرده است. باید هر چه زودتر استرداد او را طلب کرد.

ملاقات اشرف واویسی در مصر

و توطئه جدید امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران

بنا به گزارش راديو مسکو، اخیراً اشرف معلوم الحال، خواهرممد رضا با اوویسی در مصر ملاقات کرد. در این ملاقات طرح توطئه جدیدی علیه انقلاب ایران مورد بررسی قرار گرفت. از جمله توطئه های که در جریان این توطئه را تشکیل میدهند، دو هزار نفر را از کابین فراری می کنند، که در مسابقات تدارکات در تاجیکستان رژیم خیانته پشیمانیت حمایت می شوند و برای اجرای عملیات تخریبی و شرکت در حملات نظامی به ایران سازمان یافته اند. دوره های آموزشی را می گذرانند. در همین گزارش آمده است که گروه های غربی و خرابکار از زمان امنیت و نیروهای مسلح مصر به شما را نندردند برای اجرای این توطئه آماده شده اند و با واکنشهای فراری ایران همکاری می کنند.

این گزارش موید آنستکه رژیم خیانته پشیمانیت، که همراه با یگان نظامی امریکا علیه کشورهای مستقل ملی در منطقه تبدیل ساخته و نقش زاندارم امپریالیسم امریکا در منطقه را برعهده گرفته است، از نخستین روزهای انقلاب شکوهمند مردم ایران در تمام توطئه ها و تحریکات و طرحهای مداخله نظامی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران شرکت داشته، که از نمونه های بارز آن، همکاری و تقسیم رژیم سادات در تاجیکستان و نظامی امریکا در عملیات طیس بود.

ملاقات اشرف با اوویسی در مصر نشان میدهد که پس از مرگ شاه مخلوع، اشرف خواهر معلوم الحال او، در بریتانیا توطئه های امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب نقش فعال تیر و برجسته تری را برعهده گرفته است و تلاش دارد مقیبه در صفحه ۳

با تحکیم جبهه متحد ضد امپریالیستی همبستگی خود را با دانشجویان مبارز زمان در امریکا ابراز داریم

خود در باره "حقوق بشر گوش جهان" را که ساخته اند و بخيال خود میخواهند که بشکستند و سوسیالیستی بگیرند و در ایران و متحدان حقوق بشر را ستین، درس "حقوق بشر" کارتر فرموده باشند. درسا به "میسسه آزادی" بدیهی ترین و بیشترین آزادیهای سیاسی و مدنی را نقض می کنند و، بگفته "حیات الاسلام" خائنه ای، امام جمعه تهران، مانند "سگ وحشی" همان دختران و پسران آزادی طلب و عداوتی نسبت ایرانی می افتند. زما مداران و اشنگتن از یکسو عده ای از اعضای کنگره امریکا را و امیدارنده برای منصرف ساختن آنها از دستگیری آنها بهای خود علیه ایران، که آخرین نمونه آن رادر طرح توطئه کودتای تاج فرجام ۱۸ تیر دیدیم، از در "ملجوبی" درآیند و از سوی دیگر با سبمیستی نظیر جوانان مبارز زمان امریکا مورد ضرب و شتم و تحقیر تلافی چویا نه خود قرار میدهند.

صحنه های و اشنگتن با ردیگر به ما هشدار میدهد، که امریکای جانی از ضربه های سهمگینی که انقلاب شکوهمند ما بر پیکر پلیس آن فرود آورده است، هنوز خشکی نه می برد و از هیچ گونه ترسندی برای باز یافت سنگرهای از دست داده فروگذار نمی کند.

و خشکی دژ خیمان کاخ سفید بحق خشم مردم ایران و دانشجویان ایرانی را در خارج از کشور برانگیخته است. پس از آنکه فسون بر گسترش کارزار افشاگرانه چهره ریاکار و سرکش خونخوار امپریالیسم امریکا و لیبرالها که رابطه ما را با "شیطان بزرگ" ساده نگرا نه، و با سخن دقیقتر ساده نگرا نه در مسئله "گروگان" ها خلاصه می کنند، جبهه متحد خلق را علیه امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم امریکا، و برای تعمیم آن دستاوردهای انقلاب ۲۲ بهمن تحکیم بخشد. از این راه، نه تنها میتوان شرایط پیروزی نهایی و قطعی انقلاب را تضمین کرد، بلکه همچنین به بهترین وجهی همبستگی خود را با دانشجویان مبارز زمان در امریکای امپریالیستی ابراز داشت.

سرشت ریاکارانه و بیرحم نشان امپریالیسم امریکا با ردیگر به بهترین وجهی در برخورد مقامات امنیتی آن کشور نسبت به دانشجویان ایرانی مقیم امریکا نمایان میشود. پلیس امریکا، از یکسو با تمام نیروها و فعالیت های ضد انقلابی سرسپردگان "ریا مهری" و ساواکی های گریخته به وطن" پشتیبانی می کند و بر دسیسه گریهای آنها علیه انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک ما مترجم فظت می کند. و از سوی دیگر دانشجویان انقلابی ایران را، که از تاج و زکا ریه های پایدار امپریالیسم امریکا علیه انقلاب و کشور ما پرده بر میدارند و مزدوران ساواکی کاخ سفید را رسوا میکنند، آماج وحشیانه ترین حملات خود قرار میدهد. اخباری که از تاج و زکا ریه ها می آید، ما را به پلیس امریکا به دانشجویان رزمنده مقیم امریکا در روزهای اخیر واصل می شود، نشان را بیاد ما می آید که در زمان مبارزات امریکا علیه نظامی کنگدنک و ضد جنگ ویتنام می اندازد. بیهوده نیست که بگفته برخی از مفسران، مقابل "پلیس امریکا با ایرانیان هواداران انقلاب" اینک "بعثیست" می خودیافته است. همین چند هفته و چند روز پیش نیز شاهد آن بودیم که چگونه پلیس امریکا، به پشتیبانی اشکار و قویها نه از سازمانها و گروه های سیا، بی هوشان معترض را، که به قیام علیه تبعیض نژادی و برای دستیابی به حقوق حقه خود برخاسته بودند، سرکوب میکرد، شکنجه میداد و به ضرب گلوله از پای در می آورد.

رویدادهای نامبرده با ردیگر نشان میدهد که مهم ترین وظیفه ما صلاح دستگاه امنیتی کشور امپریالیستی امریکا، حفظ امنیت حرم چپا و لگری سرمایه است. امپریالیستهای امریکایی، هر جا که "منافع" استثمار طلبانه خویش را در خطر ببینند، چه در ویتنام، چه در ایران و چه در سرزمین بومی خویش، با اعمال همه وسایل و امکاناتی که در اختیار دارند، به مقابله سرکوبگرانه برخاسته اند. آنها در این کشور نه از ضرب و شتم خشونت بار فروگذار میکنند و نه از کشتار آتشی که ندای خود را علیه پیدا در ما بهار بلند کرده اند. آتشی که ما هاست با تبلیغات جنجال انگیز

انقلاب مشروطه ایران

به مناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت ایران

مشروطه یکی از درخشان ترین صفحات این مبارزه است. بررسی علل پیشرفت و شکست انقلاب مشروطه نه تنها از نظر تاریخ، بلکه همچنین برای تجربه اندوزی و احترا از برداشتن گام های لغزنده ای که می تواند انقلاب کنونی را به بیراهه بکشد، سودمند و ضرور است. احمد کسروی نخستین محقق ایرانی تاریخ مشروطه می نویسد:

"در جنبش مشروطه دو دسته با در میان داشتند. یکی وزیران و درباریان و مردان برجسته و به نام و دیگری بازاریان و کسان کم نام و بی شکوه. آن دسته کتر یکی درستی نمودند و این دسته کتر یکی نادری نشان دادند. هر چه هست کارها را این دسته کم نام و بی شکوه پیش بردند."

و چون دسته نخست می خواستند "جنبش ناانجام یابد، آن مردان غیرتمند (دسته کم نام و بی شکوه) کار زدند."

تصویری که احمد کسروی از جنبش مشروطه به دست می دهد، تا حدودی درست است. بدان معنا که در جنبش مشروطه، طبقات و اقشار مختلفی، با اهداف و آرمان های

انقلاب مشروطه ایران در میان جنبش های انقلابی که در آغاز قرن بیستم در آسیا روی داد، به لحاظ ژرفا و گستره خود جای ویژه دارد. جنبش های انقلابی در کشورهای دیگر آسیای (امپراطوری عثمانی، هندوستان، چین و غیره) هیچ یک تا این اندازه خلعت نمودهای نیافتند و نتوانستند تا سطح قیام مسلحانه وسیع برای تحمیل اراده انقلاب بر حکومت ارتقا یابند. انقلاب مشروطه جزئی از موج بزرگ انقلاب های ضد امپریالیستی و دموکراتیک بود، که از دریای طوفانی روسیه انقلابی برخاست و نخستین ضربت کاری را بر سرمایه داری بهمنزلت یک سیستم جهانی وارد ساخت. هر چند امپریالیسم هنوز تا آن پایه نیرومند بود که بتواند این موج را درهم بشکند، اما برخاستن چنین موج عظیمی در نیمه از جهان نشانده آن بود که تضادهای موجود در جامعه بشری دیگر نمی تواند در چارچوب نظام سرمایه داری حل شود.

چند سالی از این نخستین موج گذشته بود که موجی پس نیرومندتر جهان را به لرزه درآورد و با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر به سیستم سرمایه داری، به منزله یک نظام فراگیر جهانی، پایان گذارده شد. از آن پس امواج انقلاب هر روز سنگری از این نظام سنگین ضد انسانی را درهم می کوبد و دایره را بر ستم گران خون آلود استوارتر می کند.

خلق قهرمان ما با سربلندی در برابر تاریخ بشریت می تواند به خود بیالده که در تمام دوران سلطه امپریالیسم بر جهان، علیه آن مبارزه کرده، بارها در این نبردها برابر مغلوب شده، اما سلاح از بر زمین نگذاشته است. انقلاب

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نامه افشاگرانه شورای فرماندهی سپاه «سمکو» در مورد اعمال ضد انقلابی گروه قاسملو

چرا دفتر سیاسی با اوستی، پالیزبان، کوری رمش (علی قاضی) و بختیار، در یک جبهه علیه انقلاب ایران قرار گرفته است؟ ملاقات قاسملو با عطا حزر راوی، جلال خلتیای عراق، از چه چیز حکایت می کند؟ رابطه سرهنگ قادری عضو کمیسیون نظامی حزب با کودتای ننگین اخیر محرز است.

شورای فرماندهی سپاه «سمکو»، نیروی مسلح حزب دمکرات کردستان ایران در منطقه اشویه، طی نامه‌ای خطاب به «دفتر سیاسی» شورای نظامی حزب دمکرات کردستان ایران و اعضای کمیته مرکزی، به روش ضد انقلابی گروه قاسملو در شرکت در توطئه‌های بعث عراق و دیگر عمال امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، به شدت اعتراض کرده است. متن این نامه افشاگرانه چنین است:

نامه شورای فرماندهی سپاه سمکو به اجلاس ۵۹/۲/۲۵ کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران

گیرندگان رونیوت: ۱. کمیسیون نظامی حزب دمکرات کردستان ۲. شورای نظامی حزب دمکرات کردستان ۳. اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران انقلاب عظیم و خلقی ما اکنون مراحل حساس و سرنوشت‌ساز خود را می گذراند. در این میان جنبش حق طلبانه خلق مستبدیده ما در چنان موقعیتی قرار گرفته که فرد فرد اعضا و هواداران برای حفظ دستاوردهای تاریخی آن که خون‌های دمه‌ها شهید کرد است وظیفه خطیر تاریخی دارند. لذا طبیعی است در این میان نمی توان بی طرف ماند، بلکه باید موضع گیری‌های روشن نمود. ما مسئولین نظامی حزب سمکو، با توجه به اعلام موضع بخشی از کادر رهبری حزب، لازم دانستیم با ایمان به اصل سانسزالیسم دمکراتیک که برای اعضای حزب این حق را قایل شده که درباره مسائل درون حزب و جریان‌ها و حوادث مهم، رهبریت را مورد سؤال و استیضاح قرار دهند. ما که منافع خود را از منافع خلق مستبدیده و حزبمان جدا نمی دانیم، معتقدیم که سر نونت حزب رهبری کننده خلقمان که نتیجتاً به سرنوشت خلق کرد و انقلاب ایران مربوط می گردد مسئولیت مشترک داریم نظریات خود را با صراحت اعلام می داریم و به همین صراحت نیز از کمیته مرکزی و دفتر سیاسی جواب‌های لازم را خواستاریم. مسلماً این صراحت و صداقت به وحدت صفوف رزمندگان حزب نیرو می بخشد و حزب را به سوی تکامل و دستیابی به شرف و آبروی سیاسی سوق خواهد داد:

۱. دفتر سیاسی باید به طور جامع گزارشات مستدل و جامعی را از تمام فعالیت‌های چندماهه اخیر به تمام سازمان‌های سیاسی و نظامی حزب ارائه دهد.
۲. اکنون که مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های ایران وارد مرحله نوینی شده است و هر روز بیشتر از طرف امپریالیست‌ها به سرگردگی آمریکا مورد تهاجم قرار می گیرد و در همان حال از پشتیبانی نیروهای مترقی و ضد امپریالیست سراسر جهان برخوردار است، به چه منظور دفتر سیاسی آنچنان سیاستی در پیش گرفته که عملاً با عوامل امپریالیسم مانند: اویسی، پالیزبان، کوری رمش، بختیار و به طور کلی تمام نیروهای اهریمنی علیه انقلاب ایران در یک جبهه قرار گرفته است؟
۳. عوامل نام برده فوق مخصوصاً سپاه زرگاری به طور علنی در کردستان فعالیت می کنند. در حالی که ضد انقلابی بودن این نیروها برای تمام سازمان‌ها و احزاب مترقی در سراسر ایران به خوبی نمایان است، چرا دفتر سیاسی تاکنون چندین بار جهت مذاکره با این نیروی ضد انقلابی، آقای ملا محمد عثمانی را به عنوان نماینده برای مذاکره با شیخ عثمان و دیگر زمامداران سپاه زرگاری تعیین کرده و خواستار ادغام این سازمان در حزب شده است. آیا تنها توجه به کمیت ارزش کیفیت را به حداقل نخواهد رساند؟
۴. اکنون وابستگی بخشی از رهبری حزب ما به رژیم فاشیستی بعث عراق برای بسیاری از اعضا و هواداران حزب روشن شده است، در حالی که در گزارشات کمیته مرکزی حزب به ننگره چهارم آمده است: حزب دمکرات از هر گونه وابستگی بیزار است. چرا با مهر و امضای دفتر سیاسی و آقای دکتر قاسملو سیل اسلحه و مهمات به کردستان جاری است؟ بی‌نیاس نیست برای روشن شدن بیشتر قضیه از آقایان سروان حاتم، سلیم سلیمی، مراد گرده‌سور، رسول پیشنماز، علی شاونین و... یاد کنیم که همگی با اطلاع و اجازه دفتر سیاسی اسلحه و پول وارد کرده‌اند. تازه این اطلاعات مربوط به گونه کوچکی از کردستان است. نظیر این اتفاقات در سایر مرزهای کردستان مشاهده شده است. ملاقات آقای دکتر قاسملو با طه یاسین رمضان (طه جزاوی) معاون ریاست جمهوری و رئیس الوزرای رژیم بعث عراق که به عنوان جلال خلق‌های عراق شهره خاص و عام است و ملاقات آقای سرهنگ قادری عضو کمیسیون نظامی حزب با افسران عراقی در مرز ترجین از چه چیز حکایت می کند؟
۵. انتصاب اخیر در کمیته مرکزی اگرچه از طرف کمیسیون انتخابات کم‌اهمیت تلقی شده لیکن از نظر سیاسی بازتاب بسیار گسترده‌ای در حزب و در سراسر ایران و جهان داشته است و روز به روز شتاب این بازتاب گسترده‌تر می شود. در گروه‌های که بنا بر نظریات و مواضع مستقیم است

به واقعیات غیر قابل انکار اشاره شده است و آن عبارت است از رخنه عوامل ساواک، افسران فراری ارتش و عوامل رژیم بعث عراق. هرگاه کسی صحبت از پاکسازی در حزب را مطرح می کند عده‌ای از اعضای مسئول و صاحب نظر حزب با ساده لوحی وجود ظهیرزاده‌ها، فلاحی‌ها و... را در هیئت حاکمه به میان می کشند و شرط سالم سازی و پاکسازی در حزب را مشروط به پاکسازی در دولت می دانند. اما طرح مساله به این شکل اشتباه محض است. هیچگاه نباید سالم سازی صفوف حزب را مشروط به خونتایند پس عدم خونتایند رقیب سیاسی و احیاناً خصم خود کرد.

۶. در مقابل دادنامه مستقیم به جای اینکه با پنهانی روشن و مستدل به آنان پاسخ داده شود مورد فحاشی قرار گرفته و کلمه ننگین جاش را در مورد صادق ترین فرزندان این خلق به کار برده‌اید. آیا با اصل انتقاد از خود و انتقاد از دیگران در حزب ما به این صورت برخورد می شود؟ آیا هر کس خواست نظریات و مواضع خود را در مورد مسائل مشخصی عنوان نماید باید او را در ردیف جاش‌ها، ظهیرزاده‌ها، چمران‌ها و دیگر خائنین به خلق قلمداد کرد؟! مسلماً مبارزه ایدئولوژی در هر حزبی شرط ضروری وحدت فکری است. چنانچه در سازمان چریک‌های فدایی خلق دیدیم که در مقابل انتخاب اقلیت، سازمان در کنار نظریات اکثریت در روزنامه کار نظریات و مواضع اقلیت را نیز جهت قضاوت اعضا و هواداران خود و توده‌های مردم منعکس نمود. این است شیوه اصولی برخورد با نظریات مخالفان.

۷. در حزب از دمکراسی زیاد سخن به میان می آید. آیا جای آن نیست بپرسیم که زندانی کردن رفیق «قاروق کیخسروی» و هراسان‌ها را باید به حساب دمکراسی گذاشت؟ این شیوه برخورد غیر اصولی راه را برای دیکتاتوری در حزب هموار می سازد و خلاف کلیه اصول فکری اخلاقی و حزبی ما است و نقض آشکار اصل سانسزالیسم دمکراتیک است.

به علاوه پاسخ به نظریات و مواضع انتصاب از وظایف کمیته مرکزی و دفتر سیاسی است نه کمیسیون انتخابات و تبلیغات. اصولاً لازم بود به دنبال این انتصاب پلنومی سطح حزب برای بررسی و پاسخ به این نظریات تشکیل شود. لازم است در این جا تذکره کنیم که پاسخ کمیسیون تبلیغات و انتشارات بهتر فسخ است تا پاسخ.

آیا باید غنی بلوریان و رفقای صرفاً به اتهام اعلام نظریات خود به عنوان خائن و جاش معرفی شوند، یا کسانی چون سید رسول دهقان که بهترین اسلحه‌های سنگین و خودروها را تحویل عراق داد و خائنتی چون علی امیر عثمانی و تیمسار صیادبان جلال را از چنگ عدالت برده است مستبدیده ایران رها ساخت و به رژیم عراق فراری داد؟! آیا باید از وارد کنندگان اسلحه و پول عراقی و حامیان آنان در دفتر سیاسی به عنوان انقلابی یاد کرد و از غنی بلوریان و رفقای صرفاً به عنوان خائن؟! چرا در مورد خائنتها و ارتباطات سرهنگ قادری که طبق مدارک و اطلاعات دقیق که داریم ارتباطش با کودتای ننگین اخیر محرز است سکوت اختیار کرده‌اید ولی علیه رفیق مبارز و صادق و صمیمی غنی بلوریان قهرمان زندان‌های شاه خائن در همجا داد و فریاد راه انداخته‌اید؟ واقعا دردناک است؟

۸. موضع خصمانه حزب ما علیه حزب توده ایران از نظر سیاسی به زیان ما است زیرا تحلیل و دیدگاه‌های حزب توده ایران در مورد ما و مسائل ایران پایه تحلیل اردوگاه سوسیالیستی و احزاب کمونیست و مترقی جهان است. مسلماً به منظور مبارزه اصولی و علمی با امپریالیسم آمریکا وحدت و هم‌فکری حزب ما با حزب توده ایران، سازمان چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق و دیگر نیروهای ضد امپریالیست ضرورت حیاتی دارد. اما برای برقرار کردن روابط اصولی با این نیروها باید تجدیدنظری در اتخاذ سیاست‌های فعلی و موضعگیری‌هایمان در مقابل انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی کشورمان و جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرد.

اعتقاد ما بر این است که تا سلطه نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم بر کشور حاکم است امکان تحقق دمکراسی وجود ندارد. برای تحقق واقعی دمکراسی واقعی باید با تمام نیرو علیه قطع وابستگی‌های امپریالیسم مبارزه کرد. در مبارزات ضد امپریالیستی مساله ملی به معنای دمکراتیسم بی‌گهر است. چگونه با انقلابی که در محاصره همجانبه امپریالیسم به سرگردگی امپریالیسم آمریکا و عمال سرسپرده‌های چون رژیم فاسد مصر، رژیم فاشیستی بعث عراق و ضد انقلاب داخلی است و هر روز با توطئه نازهای علیه خود مواجه می شود باید این جنبش موضع گیری خصمانه اتخاذ کرد؟! آیا نباید عده را بر غیر عده و اصل را بر فرع مقدم شمرد؟!



دهن کجی عمدی به اطلاعیه دادستانی کل کشور

پاره شده، شیشه شکسته شده، در و پنجره تخریب شده، تصاویر و پوسته‌های لگدمال شده، بجای ماند. ولی مردم لنگرود به ویژه دیدند که این «اشخاص متفرقه»، بعضی کسانی که به داوری دادستان کل کشور به نیت توم ضد انقلاب کمک می‌رسانند و جمهوری اسلامی ایران را تضعیف می‌کنند، کماکان فارغ از بیم هرگونه بازخواست و مجازاتی یکتاز میدان هستند و به دستور عالی‌ترین مقام قوه قضایی کشور نیز وقتی نمی‌نهند. آیا این‌ها فقط آبش بی‌سر و پا هستند، یا سرشان به جاهایی بند است و پاهایشان را به قدری محکم احساس می‌کنند که حتی پس از اطلاعیه رسمی دادستانی کل کشور نیز ابایی ندارند از این که به دفتر حزب ما در لنگرود و حقیقتاً حمله کنند.

در عکسی که چاپ می‌کنیم، در کنار روزنامه‌ها و پوستری از رفیق شهید تیزابی، پوستری دیگری در گوشه راست عکس دیده می‌شود که عنوانش چنین بود: «حزب توده ایران از نگاه امپریالیسم». آری، این اعمال که به سود نیت ضد انقلاب است، نشانه نگاه خشم‌آلود امپریالیسم به حزب ماست. حزب مدافع زحمتکشان، حزب مدافع انقلاب، حزب مدافع جمهوری اسلامی ایران.

یک ساعت بعد از نیمه شب جمعه یازدهم مردادماه، یعنی تقریباً یک هفته بعد از انتشار اطلاعیه رسمی دادستان کل کشور، در شهر فومن یک راهپیمایی به رهبری آقای حائری فومنی نماینده مجلس شورای اسلامی صورت گرفت. راهپیمایی به دنبال یک سخنرانی سازمان داده شد. در پایان راهپیمایی عده‌ای - منجمله چند تن اعزامی از تهران - در مقابل دفتر حزب توده ایران در فومن اجتماع کردند. آن‌ها با دادن شعارهای انحرافی، که دشمن اصلی انقلاب ما امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج می‌کرد و آب به آسیاب ضد انقلاب می‌ریخت، پس از آن که به حد کافی «تحریک» شدند، به دفتر حزب حمله بردند، مهاجمین از دیوارها بالا رفتند و درها را شکستند و با زهم خرابی و توحش به دنبال خود بجای گذاشتند.

ضمناً جالب و مهم این است که عده‌ای از مردم سلطان فومن، که در سخنرانی راهپیمایی شرکت داشتند و سپس ناظر این یورش وحشیانه شدند، متوجه گردیدند که بدین آنکه بخواهند، دارند شریک جرمی می‌شوند که به قول دادستان کل کشور فقط ضد انقلاب و نیت توم آن را ارضا می‌کند. بنابراین از صف راهپیمایان جدا شدند و به این عمل اعتراض کردند و گفتند که فردا شب (فردا شب واقعه) مسئولان و تحریک‌کنندگان این کار باید به پرسش ما پاسخ دهند که چرا از راهپیمایی ما سوء استفاده شد و این اعمال را انجام دادند.

بنا به اخبار رسیده تنی چند از پاسداران نیز که از این رویداد - برای آن‌ها غیر مترقبه - متاثر شده بودند، از مردم دل‌جویی کردند و گفتند که ما مخالف این‌گونه کارها هستیم.

هموطنان، هواداران انقلاب، دوستان و رفقا!

یازده روز از انتشار اطلاعیه دادستان کل کشور می‌گذرد. محل دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در تهران، دفتر نامه مردم و دفاتر سازمان‌های حزبی در بسیاری از شهرستان‌ها نه فقط همچنان تحویل ما داده شده و به جز موارد نادری همچنان در تصرف افراد غیر مسئول است، بلکه بعد از انتشار اطلاعیه و به عنوان دهن کجی عمدی به آن، یورش و هجوم، تصرف و تخریب طبق بقیه، به طور مرتب و در شهرستان‌های مختلف، ادامه دارد.

این «اشخاص متفرقه» از کجا آب می‌خورند؟ آیا نفس حرمت قضایی و تضعیف جمهوری اسلامی ایران کافی نیست؟ آیا زمان آن نرسیده است که در عمل جلوی اجرای نیت توم ضد انقلاب گرفته شود؟ باید هرچه زودتر دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، دفتر نامه مردم و دفاتر حزب در کلیه شهرستان‌ها بازپس داده شود. نه فقط اجرای حق و عدالت در مورد حزب ما، بلکه احترام به نهادها، تصمیم‌ها و اطلاعیه‌های مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران، حیثیت و اعتبار نهادهای آن و مسئولان آن‌ها نیز در گرو این امر است.

چهارشنبه ۸ مرداد، ساعت ۱۱ شب، چند نفر از «اشخاص متفرقه»، که عده‌ای از پاسداران اخراجی نیز در میان آنان بودند، به دفتر حزب توده ایران در انزلی یورش بردند و پس از شکستن در، این دفتر را اشغال کردند. هجوم وحشیانه این قوم زانی انجام گرفته که چند روز از انتشار اطلاعیه دادستانی کل کشور می‌گذرد. در این اطلاعیه چنان‌که می‌دانیم این‌گونه اعمال محکوم و به سود ضد انقلاب توصیف شده، و گفته شده است که مقامات قانونی در صورت تکرار این‌گونه اعمال مرتکبین را مجازات خواهند کرد.

یورش به دفتر حزب توده ایران در انزلی در این حال یورش به اطلاعیه دادستانی کل کشور است. از گزار معلوم رهبران «اشخاص متفرقه» خود را مافوق قانون اساسی، مافوق همه مقامات جمهوری و مناف از هرگونه مجازات می‌دانند. چه کسی چنین اطمینانی به آن‌ها داده است؟

روز ششم مرداد ماه، یعنی باز هم پس از انتشار اعلامیه آیت‌الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور، عده‌ای از همان «اشخاص متفرقه»، در لنگرود به دفتر سازمان حزب توده ایران، در این شهر حمله بردند. به دنبال یورش وحشیانه آن‌ها، مقادیر زیادی روزنامه و کتاب سوسیالیستی هاشک سازیم. این به سود انقلاب و بسود خلق کرد و حزب ما است که سیاست خود را بر روی چگونگی حفظ انقلاب ایران متمرکز کنیم و از سنگر امپریالیسم رژیم عراق و ضد انقلاب خارج شویم. باید بی‌درنگ هر گونه روابطی را با رژیم فاسد و ضد خلقی بعث عراق قطع نماییم. باید موضع گیری عملی ما با ضد انقلاب از قبیل بختیار کوری رمش و... اعلام گردد.

ما اطمینان داریم که اتخاذ چنین سیاستی به اعاده حیثیت سیاسی ما کمک فراوان خواهد کرد و ما را در ردیف نیروهای انقلابی ایران و جهان قرار خواهد داد. این چنین سیاستی به نفع خلق ما، انقلاب ایران، اتحاد خلق‌های ایران، صلح و سوسیالیسم است.

فراموش نکنیم که از این انقلاب نباید انتظار یک انقلاب سوسیالیستی داشت و به خاطر بسپاریم که انقلاب ایران توازن قوا را به نفع صلح و سوسیالیسم، به سود نیروهای مترقی و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در خاورمیانه برهم زده است.

باید با احساس مسئولیت سنگین در مقابل خلق کرد و خلق‌های ایران نسبت به جمهوری اسلامی ایران موضع گیری نماییم. تاریخ بی‌رحم است و هیچ اشتباه و خطایی را نمی‌بخشد.

با آرزوی توفیق حزب دمکرات کردستان ایران شورای فرماندهی سپاه «سمکو» شنو ۵۹/۲/۲۷ قاسملو تأیید می‌کند!

قاسملو در یک سخنرانی در تاریخ ۵۹/۵/۷، که در دهکده عیسی‌کند، انجام گرفت، تلویحاً تأیید کرد که از رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران کمک می‌گیرد، او گفت: دولت که ما خود مختاری نمی‌دهد و سعی می‌نماید که ما اسلحه بر زمین بگذاریم. ما کمک دولت‌های دیگر را برای احقاق حقوق خود مختاری قبول می‌کنیم و تا سرحد نابودی خواهیم جنگید. دوستان، اگر ما هم اسلحه بر زمین بگذاریم، این‌ها هستند که نباید اسلحه زمین بگذارید! آری قاسملو، ریاکارانه می‌گوید تا مردم کرد را بمبها نه مدافعه از حقوق خفه آنها و مبارزه برای کسب خود مختاری، آلت انجام بوطنه‌های دولت‌های دیگر، یعنی امپریالیسم آمریکا و بعث عراق علیه انقلاب ایران کند. «خود مختاری» مورد نظر امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، که قاسملو به کمک آنها در جهت کسب آنست، چیزی جز قتل عام خلق کرد، در خون خفه کردن انقلاب ایران و سال‌ها تیرگی، ظلم، فساد هم چون دوران رژیم مغزور پهلوی نیست. خلق کرد باید در قبال این توطئه، هشیار و قاطع عمل کند.



کوبا و مکزیک کودتای نظامی بولیوی را محکوم کردند

در اعلامیه مشترکی که در پایان دیدار حوزه لوبس پورتیو، رئیس جمهوری مکزیک در کوبا انتشار یافت، دو کشورنا سرده پیمان خود را از خلع سلاح، بویژه خلع سلاح هسته‌ای و پایان بخشی به سابقه تسلیماتی اعلام داشتند.

سنا تورم کا ورن خواستار از سرگیری بحث درباره "سالت ۲" است

در ایالات متحده آمریکا، سنا تورم کا ورن (دمکرات) از سنا خواسته است که بحث درباره "سالت ۲" را از سرگیرد. وی اظهار داشت که این امر برای اهمیت ایالات متحده و بقای بشریت دارای اهمیت است.

کنفرانس منع سلاح های اتمی در توکیو پایان یافت

کنفرانس بین المللی هواداران منع سلاح های اتمی "جلسه" خود را در توکیو پایان داد. در پایان آن که پس از پایان کنفرانس انتشار یافت، شرکت کنندگان خواستار شدند که به سابقه تسلیماتی پایان داده شود. این بیانیه که به تصویب نمایندگان پیش از بستن کنفرانس، از جمله اتحاد شوروی و دوازده سازمان بین المللی رسید، اعلام می‌دارد:

اعتصاب عمومی در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه

نیروهای اشغالگر اسرائیل تهدید کرده اند که اعتصاب عمومی بکنه کرانه باختری رود اردن و نوار غزه را در روز ۱۴ مرداد درهم خواهد شکست. این اعتصاب برای اسیران همبستگی با زندانیان فلسطینی فرا خوانده شده است، که در زندان اسرائیلی "نفا" بسر می‌برند و بیست و یک روز است که به اعتصاب غذا پرداخته اند. آنها قصد دارند که از ابتداء علیه شرایط غیر انسانی زندان و رفتار بربرمنشانه زندانیان "اعتراض کنند. در این میان، دوازدهانی "نفا" جان خود را از دست داده اند. اعتصاب غذا هم اکنون به زندانیان دیگر اسرائیل، که بیش از ۷ هزار میان فلسطینی در آنها در بند هستند، گسترش یافته است.

تجاوزنا بلندبند خاک کا مپوچیا

یک سخنگوی وزارت خارجه کا مپوچیا اعلام داشت که، دولت آن کشور نسبت به نقض مداوم استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کا مپوچیا، به دولت بلندی اعتراض کرده است. وی با یاد آورنده که، تنها در روزهای ۲۹-۳۰ مرداد هواپیما های بلندی ۱۷ بار به خاک کا مپوچیا تجاوز کرده اند، فزون بر این، واحدهای ارتش بلندی با مناطقی مرزی کا مپوچیا را زیر شلیک توپ قرار داده اند.

وزارت خارجه کا مپوچیا با یاد آورنده: "سیاست با تکیه بر ثابت می‌کنند که، آن کشور همچنان به مخالفت خود با انقلاب کا مپوچیا و همپیمانان با گسترش طلبان چینی برای آتش افروزی در منطقه ادامه می‌دهد."

فعلیتهای آنان بدستور و طبق برنامهمه آمریکا اجرا می‌شود. با این وجود، ملاقات اشرف و اوبسی در مصر، که دو هزار نفر از ساواکهای فراری در آنجا متشکل شده اند، با افرادی از نیروهای مسلح سازمان جاسوسی مرجعیت اجرای توطئه علیه ایران آماده اند. نمایانگر آن است که امپریالیسم آمریکا، پس از تا فرجامی حمله نظامی در عملیات طبس و کشف دستگیری عاملین توطئه کودتای ۱۸ تیر، همه اره های توطئه بزرگ جدید خود را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بکار رانداخته است.

این اخبار می‌باید بر هتباری و آماجگی مردم ومقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران بیفزاید و اقدامات قاطع تر و فوری تر را برای کشف و سرکوب توطئه های ضد انقلابی ضرور می‌بازد.

سخنان امام خمینی

ایشان میفرستادند. کاش شما را میفرستادند با یک نامهای پیشی کارتر که با این جوانهایی که میخواهند احقاق حق بکنند، میخواهند مظلومیت ملت ما را اظهار کنند، آنها را گرفتارند و از جیبی به جیبی دیگر میبرند و دست و پای آنها را غل زده اند و زنجیر زده اند، دنده های آنها را با چکمه شکستند و الان هم آنها در زیر چکمه و زنجیر دژخیمان کسارتند و آمریکا دارند از بین میروند. امام در بیان سخنان خود گفتند: «چرا باید آقای پاپ اجابوالی از ایمن دخترها و پسرهای که امروز (الان) که من دارم با شما صحبت میکنم) در جیبها و شکمها بسر می‌برند، ایشان یک کلمه راجع به این مسائل صحبت نکنند؟ چرا نباید به این اشخاصی که خودشان را اهل کلیسا میدانند، یک کلمه نگویند که شما که مسیحی هستید چرا اینکارها را میکنید؟ من جواب این مظلومها را چی بدهم؟ اینها که به ما اشکال میکنند که شما طرفدار روحانیت هستید و این روحانیت هیچ کلمه ای در مقابل قدرتهای بزرگ و ظلمتهای که بر مردم میشود و بر مظلومین میشود، حتی ظلمتهای که بر خود اشخاصی که آمریکا هستند، میشود، یک کلمه صحبت نمیشود و یک پیام فرستاده نمی‌شود و یک رسول فرستاده نمیشود. لکن وقتی که یک لانه جاسوسی را ما میگیریم چون جاسوسیتش مسلم است، ایشان شما از قول من به ایشان سلام

رسول میفرستند و حالا هم که مدارس اینجا، مدارس علمی شان اینجا هست و اشخاص میگویند (من) این را الان مطلع نیستم، اشخاصی که رفتند و دیدند میگویند) که اینجا هم مرکز تعلیم و تعلم نیست بلکه مرکز دیگری است. ایشان حالا باز نامه فرستادند و سفارش کردند. مگر ما با علم مخالفیم، مگر ما با تعلیمات مخالفیم، مگر ما با مدارس مخالفیم یا مدارس نصاری، با مدارس زرتشتی، با مدارس یهود ما کسی مخالف هستیم. اما اگر مدارس جور دیگری باشند ما نمیتوانیم تحمل بکنیم، ایشان باید اول ببینند این مدارس چه بوده بفرستند اشخاص را مشاهده کنند که این مدارس چه وضعی داشته است، که دولت ما نتوانست تحمل بکند. و البته این با دولت است، لکن آنچه که من به شما میگویم که به آقای پاپ بگوئید اینست که شما رویه خودتان را که روحانی هستید عوض کنید و با مظلومین و با اشخاصی که زیر چکمه آمریکا دارند از بین میروند و با این دختر و پسرهای جوان ما که الان در جیبهای آمریکا بسر میبرند و آنها را از یک جیبی به جیب دیگر و اخیراً در یک سلولهای منفرد آنها را حبس کردند، بپرند چرا اینکار شده است، چرا گوش من نمیشود یقوت از آقای پاپ که طرفداری مظلومینی که مال ایران هست و یا افرادی که در خود مملکت آمریکا است و تحت ظلم و شکنجه هستند یک بازخواستی نمیکند شما از قول من به ایشان سلام

تحمیل نمیکنند و ما نمیتوانیم تحمل کنیم و من باید این مطلب را برای آقای پاپ بوسیله شما پیام بدهم که شما آیا از اوضاع این آمریکا و این اشخاصی که خودشان را منتسب کردند به مسیحیت اطلاع هستید یا اینکه مطلع هستید و بدون اینکه توجهی به آن بکنید از آن میگذرید آیا شما مطلع هستید که ما پنجاه سال در تحت سلطه انگلیس و آمریکا تمام هستیم به یاد رفت. امام خمینی سپس گفتند: «شما آیا داد مظلومها را هیچوقت بنایان هست که گوش کنید یا همان فریاد ظالمها را به آن ترتیب اثر میدید آیا شما میدانید که با این جوانهایی که این دخترها و پسرهای دانشجویی ما الان آمریکا چه میکنند و پلیس آمریکا با آنها چه کرده است میدانید که خائنهائی که میخواهند در آمریکا برسد کشور مظلوم ما میتینگ بدهند و تظاهر کنند پلیس آمریکا حمایت از آنها کرد و آنها کارهای خودشان را کردند و وقتی دانشجویان مسلمان ما که میخواهند آنها هم یک تظاهری بکنند و مظلومیت ملت ما را برسانند پلیس آمریکا چه کرد با آنها، آیا آقای پاپ میدانند که الان جوانهایی ما در غل و زنجیر با دنده های شکسته بعضی در حال بی هوشی هستند و دخترهای جوان ما در حبس در غل و زنجیر هستند و بعضی در حال بی هوشی. و ایشان این مسائل را اصلا توجهی ندارند. توجه به این دارند که حضرت مسیح (ع) با بشر چه جور بود و شما که مدعی نیابت از او هستید توجه به این مسائل هیچ نمی کنید کاش یک پیکی هم برای کارتر

بقیه از صفحه اول

ملاقات اشرف و اوبسی...

تمام نیروهای ضد انقلاب در خارج از کشور را در اطراف خود متمرکز می‌کند. پس از کشف توطئه کودتا و دستگیری مجربان آن، مجموعه رویدادهای چند هفته اخیر، چه در داخل کشور و چه در خارج، منظره کاملی را از طرح توطئه بزرگی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ترسیم می‌کند. درگیریهای مسلحانه در نواحی مرزی جنوب و غرب ایران، که از جانب نیروهای مسلح دولت بعثت عراق بوجهود می‌آید، تمرکز و احدهای بزرگی از نیروهای مسلح عراق در مرز ایران و هزمان با آن تجمع چندین هزار نفر از نیروهای ضد انقلاب در نواحی پیرامون کرمانشاه، انتقال ریمب در پاساژ کمپانی در مرکز تهران و حمله مسلحانه چند روز پیش به پادگان نظامی در تهران، به قصد تصرف این پادگان، از نمونه های این رویدادها است که نشان میدهد امپریالیسم آمریکا، بدستباری نیروهای ضد انقلاب در داخل و خارج از کشور، برای ایجاد یک طرح توطئه جدید علیه جمهوری اسلامی ایران زمینه مساعد را فراهم می‌کند. ملاقات اشرف و اوبسی در مصر، محمدرضا با اوبسی جلاد نیز از عناصر مرتکب کسل طرح ضد توطئه است. ضد انقلابیون ایران تلاش دارند که کانون تجمع و تشکیل تمام نیروهای ضد انقلاب را به یک دروچه شرف، این محسمه فساد و تباهی را با زیر بند و بدین وسیله همبستگی و تشکیل نیروهای ضد انقلاب و بویژه افسران و ساواکهای جانیستکار فراری از کشور و پاره ای از ارتشیان با زینت در درون کشور را، که در مغزهای شنی آریا مهری زده خود دروهای شیریمن گذشته بسر می‌برند و از روی بازگشت آن دوره را در سر می‌پرورانند، حفظ کنند و نیروهای ضد انقلاب را برای اجرای طرحهای توطئه آمریکا علیه ایران آماده نگه دارند. امپریالیسم آمریکا نیز با سوابق همکاریهای جانیستکار خود با اشرف، در میان با زمان ندگان محمدرضا پهلوی، این عضو فساد و ننگین را که در تکیه کاری و جنایت شهرت جهانی دارد، مسا عدترین عامل اجرای توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تشخیص داده است که می‌تواند تمام نیروهای ضد انقلاب و افراد ربه خاندان ننگین پهلوی را بپروا چون خود متشکل سازد.

روشن است که اشرف و توطئه بویژه خیارها، اوبسی و پاره ای از افسران و بدینکار ملین جنایات محمدرضا و سرپرستان خانان پهلوی، از مهره های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا و مجربان توطئه ها و وسیله های آن علیه انقلاب ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران هستند و تمام

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در کرمانشاه

بمناسبت اشغال دفتر حزب در کرمانشاه و بازداشت دو تن از رفقا: پرویز صادقی و جواد صفاری

مستولت خود عمل نکردند و عناصر ضد انقلابی در حملات خوش جری تر شدند. ما دقیقاً می‌دانستیم که تشدید خود ضد توده ای و حمله به حزب توده ایران بیش از آنکه انجام توطئه های عظیم علیه جمهوری جوان ما می‌باشد. با این آگاهی بود که علی زغم نام فشارها، توهین ها، ضرب و جرح اعضا و هواداران، آتش سوزی دفتر، کتابها و روزنامه ها صورتان و بیگانه به کار افشاکاری در میان مردم و آگاه ساختن آنان از خطر مرکباری که در شرف تکوین بود و هست و نشانی از پای ناپستادیم. و چون دیدند با هیچ تهدید و فشاری ما از دفاع از انقلاب دست بر نمی‌داریم بهانه های واهی دفتر حزب توده ایران در کرمانشاه را بدون هیچ مجوز قانونی بستند و ۹ نفر از رفقای ما را که در دفتر بودند دستگیر کردند ولی پس از چند روز چند نفر از آنها آزاد شدند، اما متأسفانه توفیق های دیگر بدون هیچگونه دلیل ادامه یافت. اینک چهار روز از بازداشت بی دلیل رفقا پرویز صادقی و جواد صفاری می‌گذرد.

ماضن اعتراض شدید به بازداشت غیرقانونی دو تن از رفقای خود توجه مسئولین را در کرمانشاه به وظایف خطیر خود در مقابله با دشمنان انقلاب، و در اس آن امپریالیسم آمریکا، و موضع بگیر و مثبت حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن جلب کرده، آزادی فوری رفقای خود و تحویل دفتر حزب را خواستاریم.

دشمن شادکن نباشیم! مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق های ایران! زنده باد چهجه متحد خلق، تنها عامل تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب! کمیته اهلالتی حزب توده ایران در کرمانشاه ۵۹/۵/۷

هر چه زودتر باید اموال مسروقه شاه مخلوع را پس گرفت

دو سه روز قبل از اینکه شاه مخلوع بمیرد، محمدرضا، که همچنان در فکر صابهای با تکی خود بود، دست اندر کار فروش ملک و وسایلی بزرگی شد، که در سوئیس دارد. صابهای با تکی به همان اووغا نوده اش مخفی تر و محفوظ ترند، ولی اینگونه املاک و مستملات را نمی‌توان پنهان کرد. این ملک در میان کوه های آلپ سوئیس

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

اسناد ارتباط احمد مدنی با ساواک، سیا و دربار شاه مخلوع فاش شد



مدنی رابطه نزدیکی با گروه بختیار - امینی برای روی کار آوردن یک دولت آمریکایی داشت. در زمان استانداری وی بسیاری از پستهای مهم در اختیار و ایستگاه ساواک و سیا قرار گرفت.

تحقیق درباره اعتبار نامه سید احمد مدنی نشان می‌دهد که کرمان رسید. دکتریزدی مفسر کمیسیون گفت: کمیسیون تحقیق پس از بررسی مدارک اسناد را شده و شنیدن شهادت شهید مطهر و بعد از آنکه آقای مدنی دعوت ریاست سنی و کمیسیون برای ادا توضیحات رد کردید و در عرض علیه مجلس بنام نه‌های توهین آمیز صادر کردند، با توجه به دلایل زیرا عثمانیه وی را به اتفاق آراء مردود اعلام می‌کند: ۱- ارتباط با ساواک و رژیم شاه مخلوع.

انقلاب مشروطه ایران...

بقیه از صفحه اول

کردند. از روحانیان سازش سخن می‌گویم نه از روحانیان به طریقی. در آن دوره در میان روحانیان چند گروه مشخص وجود داشت: گروهی که مانند حاجی آقا محسن عراقی، حاجی میرزا حسن مجتهد تبریزی، امام جمعه تهران و نظایر آنان خود از بزرگترین زمین‌داران بودند و با دربار پیوند ناگسستی داشتند. گروهی دیگر مانند آقایان طباطبایی و بهبهانی و دیگران با تجار و بازاریان و اشراف صحنی از مردم نزدیکتر بودند. اما انبوه روحانیان، که قسمت اعظم آنان را پیشماران مساجد و طلبه‌ها و نظایر آنان تشکیل می‌دادند و از میان توده‌های مردم برخاسته بودند، با کسب و دهقانان و زمینداران شهر ارتباط داشتند. زندگی آنان با مردم عادی فرق چندانی نداشت. اغلب آنان زندگی خود را با کار می‌گذراندند. بسیاری از این قشر روحانیان کوچک تا آخر به انقلاب وفادار ماندند و برخی از آنان در سنگرها خنجر سپردند. در میان آنان مبارزان نامداری چون شیخ سلیم، شیخ محمد خیابانی، ملک‌المکملین، سید عبدالحمید و صدها نفر دیگر وجود داشتند که با زبان و شمشیر در راه پیروزی انقلاب می‌کوشیدند.

روحانیان برجست و باسنگی طبقاتی خودشان در جنبه انقلاب و ضدانقلاب قرار گرفتند و با عمیق شدن انقلاب به دو گروه مشخص تبدیل شدند. که هر یک دیگری را به انحراف از "اسلام" متهم می‌کردند. جالب آنکه آن دسته از روحانیان، که بر ضد انقلاب بی‌باخته و با دربار محمد علی‌شاه و سفارت‌خانه‌های خارجی بیش از همه نزدیک بودند، به‌تدریج "اسلام" تقاضای می‌کردند. خود محمد علی‌شاه، این مستبد سفاک، در روزهای محرم با پای برهنه به سقاخانه‌ها شمع می‌گذاشت، روضه‌خوانی برپا می‌کرد و به نام "اسلام" انقلابیون نظیر ملک‌المکملین را می‌کشت و مجتهدان بزرگی چون طباطبایی و بهبهانی را زیر شلاق و چماق فراتر می‌انداخت.

انقلاب مشروطه ایران با جنبه متحد خلق (بدون هیچ سند و مذاکره و اعلامیه‌ای) آغاز شد. با این اتحاد پیروزی‌های بزرگی به دست آورد، نخستین قانون اساسی کشور را از حلقه شاهان مستبد قاجاری بیرون کشید، نخستین مجلس شورای ملی ایران را تشکیل داد، توده‌های مردم را به صحنه سیاست کشید، نیروهای مسلح انقلاب را سازمان داد و با این نیروها ضدانقلابیون صلح را اغلب تعدادشان بیشتر و تسلیمشان برتر بود. مظلوم کرد و می‌رفت که به صورت یک انقلاب مردمی درآید. اما ملاکان و تجار بزرگ با کمک بخشی از روحانیان وابسته به دربار به انقلاب خیانت کردند. با دربار ساختند. در جنبه واحد خلق شکاف انداختند. خلق مسلح را به خلق بی‌سلاح تبدیل کردند و راه را برای مداخله استعمارگران خارجی گشودند.

پریش از مقامات مسئول

- ۱) آیا راست است که دو وکیل لبنانی ما صور دفاع از حقوق ایران در آمریکا هستند؟
- ۲) کارمندی که توسط دولت ایران به این دو وکیل لبنانی پرداخته می‌شود، چقدر است؟
- ۳) چرا از وکلای ایرانی برای دفاع از حقوق ایران استفاده نمی‌شود؟

انتظار داریم که مقامات مسئول برای روشن شدن افکار عمومی به پرسشهای فوق پاسخ دهند.

کرد که انقلاب و ضدانقلاب، هر دو در خارج از کشور دوستان و دشمنانی دارند. اگر تزاریسم و حکومت انگلستان دست در دست مرتجعان و سرمایه‌داران ایرانی برای سرکوب انقلاب می‌کوشند، انقلابیون جهان و در پیشانی آن‌ها انقلابیون روسیه و حزب کمین از مردم ایران در برابر حکومت‌های مستکبران دفاع می‌کنند. هنگامی که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر کاسخ ستم رومانوف‌ها را در روسیه فرو ریخت، مردم ایران که در دوران انقلاب مشروطه هم بستگی انترناسیونالیستی کمونیست‌های روسیه را به چشم دیده بودند، بیش از هر نقطه دیگر از جهان از پیروزی حزب کمین ایران خرسندی می‌کردند. در روزنامه‌های آن دوره می‌توان بازتاب این خرسندی قلبی را به چشم دید.

انقلاب مشروطه در اثر خیانت طبقات استعمارگر داخلی با کمک نیروهای امپریالیستی خارجی مظلوم شد. انقلاب ایران در آن دوره قادر به سرکوب ضدانقلاب در داخل کشور بود. شکست نیروهای دولتی در تبریز، شکست نیروهای مرام‌الدوله در غرب، شکست ارتش محمدعلی‌شاه در تهران و همچنین سایر رویدادهای دوران انقلاب مشروطه نشان می‌دهد که ضدانقلاب با نیروی خود به تنهایی قادر به سرکوب انقلاب نبود. تنها کمک استعمارگران خارجی به ضدانقلابیون و خیانت رفیقان نیمه‌راه با عیبت مظلومیت انقلاب شد. می‌توان گفت در سرکوب جنبش‌های بعد از انقلاب مشروطه نیز، از جمله جنبش خیابانی، میرزا کوچک خان، جنبش دموکراتیک خلق‌های آزادی‌بخش، و کردستان در دوران پس از جنگ، جنبش ملی‌گرایان نقش مهمی داشت. ضد انقلاب خارجی نقشی به همین اندازه شوم ایفا کرده است.

انقلاب مشروطه ایران با جنبه متحد خلق (بدون هیچ سند و مذاکره و اعلامیه‌ای) آغاز شد. با این اتحاد پیروزی‌های بزرگی به دست آورد، نخستین قانون اساسی کشور را از حلقه شاهان مستبد قاجاری بیرون کشید، نخستین مجلس شورای ملی ایران را تشکیل داد، توده‌های مردم را به صحنه سیاست کشید، نیروهای مسلح انقلاب را سازمان داد و با این نیروها ضدانقلابیون صلح را اغلب تعدادشان بیشتر و تسلیمشان برتر بود. مظلوم کرد و می‌رفت که به صورت یک انقلاب مردمی درآید. اما ملاکان و تجار بزرگ با کمک بخشی از روحانیان وابسته به دربار به انقلاب خیانت کردند. با دربار ساختند. در جنبه واحد خلق شکاف انداختند. خلق مسلح را به خلق بی‌سلاح تبدیل کردند و راه را برای مداخله استعمارگران خارجی گشودند.

در جلسه علنی دیروز مجلس، که ساعت ۱۱ صبح تشکیل شد، ابتدا سائزگار رنژاد نماینده سروستان در سخنانی گفت: "ابتدا به دانشجویان مبارز و مسلمان ما، که در جنگ شیطان بزرگ اسپرند، درودی - فرستم... در دریا به ما تا ماهی که کنگره آمریکا فرستاده است، با بدیگویم آرزوی که این نامه قرائت شد، نماینده‌ای گفت که این نامه دولت آمریکا نیست بلکه نامه ناپهنگان کنگره است. من می‌پرسم مگر فرقی اساسی و اولی بین دولت جنایتکار آمریکا و کنگره آنها هست... با بدیگویم با رلمان آمریکا و دولت آمریکا هیچکدام نگران سرنوشت گروگانها نیستند. آنها تنها چیزی که به آن می‌اندیشند کمیت شیطان نیتان در مملکت ما است. آنها زمانی که به طبعی حمله کردند و قصد انجام کودتا در کشور ما را داشتند... می‌دانستند که گروگانها کشته خواهند شد... این نمایندگان کنگره، که اکنون نام سه می‌نویسند، تجا و نظایر می‌طبی را تا شکر کردند. با بدیگویم که با رلمان آمریکا با دولت جنایتکار رلمان دست در دست هم دارند و هدفشان در حفظ جان گروگانها، بلکه حفظ حاکمیتشان در ایران و مقابله با جمهوری اسلامی ایران است... در این نامه صمیمت از بهر آن رابط می‌کنند و ما را می‌ترسانند. ولی مفهوسوم "بحران" از نظر امپریالیستها همان است که صانع آنها به خطر افتاده است... نامه‌ای که ما می‌نویسیم با بدیگویم می‌کنند. نقش پارلمان و دولت آمریکا در حفظ حاکمیت میهنیست و سرمایه‌داران با شدو اینکه این هادلشان به حال شهروندان سوخته است... پس از آن عبدالکریم شرعی، نماینده داراب، از جمله گفت: دشمن ما مجهز است، ما هم باید مجهز باشیم. پیشنها دشمن اینست که چون فعالیت جاسوسی و مخرب آنها خیلی قوی است، برای کسب اطلاع از فعالیتها و آنان، در مساجد کمیته‌هایی از جوانان تشکیل شود و یک شبکه اطلاعاتی ملی بوجود آورند و هر مرحله‌ای رفت و آمدها و بدیده‌های مشکوک را زیر نظر بگیرند و مراقب توطئه‌ها و حرکات ضد انقلابی باشند. وی در پایان، دربار به حوزه انتخابیه خود مشکلات مردم آن را می‌بین گفت. حسین کرمانی، نماینده آاباده ناطق بدیو جلست بود. سپس حجت الاسلام دعاخواه پشت تریبون قرار گرفت و از جمله گفت: ... اعمال خود آنها (امپریالیسم آمریکا) جای هیچگونه تفاهمی را باقی نمی‌گذارد. حل مشکلات کنونی ما جز با اتحاد دو همکار می‌همه نیروها ممکن نیست. همه‌کس صمیمت از ما هاست و همکاری می‌کند، ولی معلوم نیست به چه دلیل در عمل این مسائل رعایت نمی‌شود... ملت انتظار دارد که هر چه زودتر مسائل اساسی انقلاب بقیه مسائل جزئی را تحت الشعاع قرار دهد و همه‌جمل مسائل اساسی انقلاب بپیرایه زند. ما هم مقابل خون شهدا مسئولیم...

۱- نامه‌ای در ۲۵/۱۲/۲۲ به ریاست ساواک بندر عباس،
۲- نامه‌ای در سال ۲۲ به بهشتگاه شاه مخلوع و عرض تبریک نوروزی با امضای جان نثار: مدنی،
۳- تلگراف وی در سال ۲۲ به قصرشاه و عرض تبریک میلاد مسعود (!) شاه مخلوع،
۴- نامه‌های وی در سال ۲۵ به شاه مخلوع درباره روزنجات آذربایجان (!) و در سال ۲۶ به مناسبت سالروز عقیقه ما نندن سو قعدبه‌شاه مخلوع،
۵- نامه‌وی در سال ۲۶ برای دعوت رو می ادا رات منجمه رئیس ساواک جهت شرکت در مراسم بزرگداشت قیام ۲۸ مرداد!
۶- نامه‌وی در سال ۲۸ جهت رژه افسران در جلوی تئاتر شاه مخلوع. در این نامه‌وی از شاه مخلوع با عنوان "خدا یگان شاهنشاه آریا مهر نام برده است.

انقلاب قبل از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷. همانطور که میدانید، از مدت‌ها قبل از انقلاب نشانی از طرف امپریالیسم آمریکا برای مقابله با حرکت اسلامی ایران ریخته شد. محور این جریان سیاسی را امینی - بختیار و رشکبیل می‌دانند. به موجب اسناد موجود، مدنی یکی از فعالین این جریان بوده است و جملات متعديبا آنها داشته است. این اسناد شامل مکالمات تلفنی با هوشنگ نها و ندی، دکتریزم آرا و... است. مابیل اساسی این مکالمات که از طرف مرکز اسناد دولتی در آذربایجان در دسترس است، ارتش به ما داده شده است. بدینگونه است که با بدی زوری انقلاب "پل زد" و در پیروزی برین شاه محمیل نمود و سپس در غرب با او با یک سری اصلاحات، دولت "وحدت ملی" را شرکت افرادی مانند سپهری، آموزگار، بختیار، و سائسی، سنجایی، نظیری، مددی، خسرو داد، عظیمی و نها و ندی... سرکار آورد (در اینجا دکتریزدی توضیح داد که نام فروهر نیز در این اسامی بود، لیکن طبق اسناد موجود، فروهر همگاری با این افراد و بخصوص شرکت در جلسه‌ها با حضور امینی را نپذیرفت. (و نگذاشت که حکومت بدست عناصر فراطی اسلامی بیفتد. افراد مورد اعتماد این کابینه در طی یک مکالمه تلفنی چنین نام برده شده بودند: کاظمی، دکتر محمد متاخی - وزیر آموزش و پرورش، رزم آرا - وزیر بهداشت، آموزگار - وزیر اطلاعات، ابراهیم‌زاده - وزیر دارایی، تیمارجم - وزیر جنگ، میهنی بیانی - وزیر آب و برق و خود مدنی وزیر کشور...

۳- در سمت وزیر نیروی دریایی جمهوری اسلامی، و مسائل فرا و برای فاسد فرام کرده است. بعنوان نمونه در ۲۲ اسفند ۵۷ گروه پسا زومان وزارت دفاع به این نتیجه رسید که مسئولین پروژه "چاه‌ها" بخصوص افراد زیر: تیمارجم، سائسی، ناخدا عبداله زرگری، عباس مازین، مرتکب اختلاس و حیف و میل شده اند و لذا دستورهای دوی دستور توقیف این ۳ نفر را در می‌نویسند. در تاریخ ۲۸/۱۲/۵۷ دبلیمی وعده‌های دیگر ممنوع الخروج اعلام می‌نویسند. در اول فروردین ۵۸ نیز حکم بازنشستگی دبلیمی توسط تیمارجمی صادر می‌شود. لیکن مدنی در فروردین ۵۸ طی نامه‌ای با با زداشت و تحت نظر قرار گرفتن این افسران مغالفت کرد و سپس مسئولیت حاسی ما نندس فرامنده‌ها دگان و منطبق دریا بی خلیج فارس و دریای عمان زابیه‌وی محول کرد. در همان زمان با انتصاب این فرد توسط مدنی مغالفت شده و این کار غیرقانونی اعلام می‌شود. چندی بعد حکم مدنی، دبلیمی برای مدت یکماه به اروپا و آمریکا اعزام می‌شود. این فرودهیگاه با زنی می‌گردد و به این ترتیب بررسی حیف و میل در پروژه (امپلیا و دلالی چاه‌ها) که با انحسارات آمریکا می‌بسته شده بود، معلق می‌ماند.

۴- عملکردهای وی در دوره استانداری خوزستان - وی در دوره استانداری در خوزستان مرتکب اعمال ضد انقلابی زیادی شده است. از جمله بکار گرفتن عناصر واکمی و بدنامی بعنوان مشاور و دستیار آنها در پستهای فرمانداری و شهرداری و... بعنوان مثال افرادی که در بکار منصوب کرده بودند هستند: ۱- مهنا مزرعه (طبق اسناد موجود) ساواک بوده است ۲- قاضی نوروزی (که متاخر در ساواک بوده است) ۳- احمد که ثابت پور (که متاخر در مکرر با سفارت آمریکا داشت) است ۴- قاضی ماهانی ۵- حیدر آله عامی ۶- توکل ثابت ۷- میرزاغنی... در مورد "سو" استفاده‌های مالی وی فراوان

پس از آن، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، چنین گفت: "آمریکا در گذشته خواست از گروگانها چه‌های انسانی و برای انقلاب اسلامی ایران چه‌های خدائمانی بپردازد. ما با باقی‌های که از سبایستهای دولت آمریکا داریم، می‌دانیم که آنها حاضرند بخش عظیمی از مردم خودشان را در هر منطقه دنیا بخاطر منافع خود بکشتن بدهند. و لذا آنها برای این ۵۰ - ۴۰ نفر از زنی قابل نیستند و دروغ می‌گویند که بخاطر حفظ جان آنها فعالیت می‌کنند... عمل انقلابی در انجمنیون ایران در آمریکا از نظر اهمیت بعد از اشغال لانه جاسوسی درجه دوم را دارد. ما از سبایستها نه‌ها بهمان دروازه‌های مطبوعاتیست که در دنیا می‌خواهیم که در این مرحله ما حجت تبلیغات امپریالیستها و میهنیستها را افشا کنند و به وظیفه خود عمل کنند."

رئیس مجلس شورای اسلامی چنین گفت: "عده‌ای از نمایندگان ما ده‌ها صدای داده‌اند و از شورای عالی تقاضای خلع است که هر چه زودتر مقدمات تعیین هیئت محاکمه کنند. ما سواک آمریکا می‌را تهیه کند... سپس نوبت به قرائت گزارش کمیسیون

مردمی، نشریه‌ای غیرانتفاعی
درباره مسائل و موضوعات روز
مجلس شورای اسلامی
مجلس خبرگان
مجلس خبرگان
مجلس خبرگان

در حاشیه مجلس

حجت الاسلام خلیلی در بیان خواندن گزارش کمیسیون تحقیق درباره مدنی، از دکتریزدی پرسید: "تا ریح خروج بختیار با افسران دبلیمی یکی بوده یا خیر؟"
دکتریزدی پاسخ داد: "اعلامی ندارم."
حجت الاسلام خلیلی دوباره گفت: "آخر بختیار ۵۰ - ۴۰ نفر در تهران بود و بدرفتار؟"
دکتریزدی گفت: "من اطلاعی ندارم."
پس از خواندن گزارش کمیسیون تحقیق چند تن از نمایندگان، از جمله محمدتقی رحیمی، نماینده مومنه‌سرا، پرسیدند: "پس چرا این افراد در زمان دولت موقت پستهای حاسی گرفتند و حتی تا کاندیداتوری ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیز پیش رفتند..."
دکتریزدی گفت: "این را با بهادر وزارت کشور پرسید..."
حجت الاسلام خلیلی پاسخ داد: "جواب تمام این سئوالات را آیت‌الله حکیمینی داده است..."
آیت‌الله مشکینی در سخنرانی هفته پیش خود در نماز جمعه قم خواهان محاکمه دولت موقت شده بودند.